

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، پیاپی ۵  
صفحات ۳۹-۵۶

## ارزیابی کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج مورد: روستاهای حسن آباد و نایسر

حامد قادرمرزی\*، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه کردستان.  
بیبا زارع ممقانی، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.  
کرامت‌الله زیاری، استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۶/۱۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۰

### چکیده

کیفیت محیط شهری یکی از دغدغه‌های اساسی نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است. این پژوهش با عنوان ارزیابی کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج بر آن است تا با سنجش سطح رضایت‌مندی ساکنین از وضعیت کیفی محیط سکونت به ارزیابی کیفی و در صورت لزوم طراحی راهکارهای مناسب جهت بهبود کیفیت محیط‌های مسکونی بپردازد. برای تحقق این هدف رویکرد سنجش میزان رضایت‌مندی سکونتی به عنوان رویکرد نظری تحقیق برگزیده شد. داده‌های گردآوری شده در قالب تکمیل پرسشنامه میدانی با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری تحلیل رگرسیونی چند متغیره سلسله مراتبی، آزمون T تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد میزان کیفیت محیط مسکونی در روستاهای حسن آباد و نایسر به ترتیب با میانگین ۲/۴۷ و ۲/۴۶ (در مقایسه با میانه نظری ۳) پایین‌تر از میانه نظری بوده است. بر اساس خروجی آزمون T، رضایت از کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده معنادار نمی‌باشد و در مورد دو شاخص سازنده اصلی یعنی رضایت از شاخص‌های عینی محیط مسکونی و شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی نیز نتایج به همین صورت است. طبق نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره، در سطح دوم مدل، شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی نسبت به شاخص‌های عینی در میزان رضایت از کیفیت محیط مسکونی تأثیر بیشتری دارد. در سطح سوم مدل نیز، زیرشاخص امکانات خارجی واحد مسکونی، رضایت از سازمان دسترسی و فضای و دسترسی به امکانات و خدمات تأثیر بیشتری بر شاخص بالاسری دارند. هم چنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای شناسایی میزان تاثیر ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی مخاطبان بر روی ادراک کیفیت محیط مسکونی نشان داد که در هر دو روستا، تفاوت ادراک کیفیت محیط مسکونی در بین تمامی گروه‌ها (و بر مبنای ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی افراد) معنی‌دار است. در نهایت نتایج آزمون تحلیل عاملی، مدل نظری ارائه شده را تأیید نمود.

واژگان کلیدی: کیفیت محیط، کیفیت محیط مسکونی، روستاهای ادغام شده در شهر، سنندج، حسن آباد، نایسر.

## (۱) مقدمه

توسعه بی‌رویه و شتابان شهرنشینی در نیمه دوم قرن بیستم به ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از عوامل اصلی در هدف‌گذاری ابعاد کمی نیازهای ساکنین بوده، به طوری که این امر عاملی بر تشدید بی‌توجهی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به مقوله و ابعاد کیفی محیط‌های شهری بوده است. از طرف دیگر به دلیل توجه زیاد به ابعاد پایداری محیطی و کیفیت زندگی و اجتماعات سالم در سال‌های اخیر، بحث و بررسی ابعاد کیفی محیط‌های سکونتی اهمیت یافته (رفعیان و عسگری، 1386: 1) و کیفیت محیط، به یکی از دغدغه‌های نوین نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سال‌های اخیر تبدیل شده است. در چنین بستر و زمینه‌ای رویکرد "سنجش کیفیت محیط سکونت" به عنوان رهیافتی جویای دستیابی به هدف "حیات مطلوب" از سوی جمع کثیری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی نظیر شهرسازی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (امین‌صالحی، 1387: 1). اهمیت محیط‌های مسکونی به عنوان سکونتگاه اصلی مردم، روز به روز در حال افزایش است. به طوری که این محیط‌ها در وهله‌ی اول ابزار مهمی برای توسعه انواع شاخص‌های زندگی (سلامت، خانواده، کار و فراغت) را فراهم می‌آورند. دوم این که، جمعیت زیادی در نواحی به شدت شهرنشین زندگی می‌کنند و یا در آینده‌ای نزدیک زندگی خواهند کرد. سرانجام، محیط‌های شهری، نواحی هستند که در آن مردم با مخاطرات محیطی‌ای، چون سر و صدا، آلودگی هوا، مخاطرات ایمنی خارجی، شلوغی و ازدحام، زباله، و یا فقدان تسهیلات و خدمات مواجه هستند. به همین دلیل، مدیریت کیفیت محیط‌های مسکونی از اهمیت حیاتی برخوردار است و اولین گام به سوی این امر، سنجش و ارزیابی کیفیت محیط مسکونی شهری است (رفعیان و مولودی، 1390: 15).

یک محیط مسکونی با کیفیت القاکننده حس رفاه و رضایت‌مندی به ساکنین از طریق خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا نمادین است. چنین محیطی متضمن زندگی با کیفیت و پشتیبان اصلی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به طوری که امروزه ارتقای کیفیت محیط سکونت به یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری بدل شده است (امین‌صالحی، 1387: 15). رضایت‌مندی از محیط مسکونی به میزان رضایت از دو معیار واحدهای مسکونی و واحدهای همسایگی به صورت مستقیم و ویژگی‌های شخصی، فرهنگی و اجتماعی مخاطب به طور غیرمستقیم بستگی دارد. در مدل‌های تجربی تحقیقات مربوط به سنجش کیفیت و رضایت‌مندی سکونتی، میزان رضایت از واحدهای سکونتی به عنوان یکی از معیارهای اصلی مطرح شده که به عنوان عامل سازنده خود نظیر تسهیلات، ویژگی‌های کالبدی، امکان توقف وسیله نقلیه، شرایط داخلی، تسهیلات بیرونی، واحد، هزینه‌ها و تقسیم شده است (Ha & Weber, 1994: 55). به طور کلی از آن جا که کیفیت محیط سکونت به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی

کیفیت زندگی و سلامت عمومی هنوز دارای اهمیت فرعی (خصوصاً در جوامع مدرن غربی) محسوب می‌شود، بررسی و مطالعه آن ضرورت می‌یابد.

بررسی‌های چند دهه گذشته نشان می‌دهد که افزایش جمعیت، و به تبع آن توسعه کالبدی و فضایی شهرها از ویژگی‌های مهم شهرهای بزرگ و کوچک به شمار می‌رود. پیامدهای عمده شهرنشینی شتابان، گسترش فضایی شهرها و خوردگی روستاها و اراضی پیرامونی آنهاست که در مادرشهرهای منطقه‌ای نمود گسترده‌ای داشته است (ضیاءتوانا و قادرمزی، 1388: 119). روستاهایی که طی سالیان درازی با حفظ روابط و پیوندهای متقابل در جوار شهرها به حیات خود ادامه می‌دادند، امروزه به محلاتی از شهر تبدیل شده‌اند. اما این سکونتگاهها به دلیل عدم همبستگی اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- کالبدی با شهر، در عین همبستگی فیزیکی محیط زیست متفاوتی را برای ساکنان عرضه می‌کنند و از کیفیت محیط شهری متفاوتی برخوردار هستند. از سوی دیگر شهرهای موجود به جهت برخورداری از جمعیت رو به تزاید و نیز تعامل فضایی و روابط عملکردی، همواره دگرگونی‌ها و تغییرات عمده‌ای را بر نواحی پیرامونی خود تحمیل می‌کنند. این موضوعی است که کشورهای در حال توسعه از جمله ایران آن را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال شهر تهران در طول 40 سال اخیر بالغ بر 24 واحد جغرافیایی با منشاء روستایی را در محدوده استحقاقی خود شکل داده و دگرگونی‌های عمده‌ای را بر آنها تحمیل کرده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، 1389: 47).

شهر سنندج نیز از این قاعده مستثنی نیست و طی سه دهه اخیر رشد شتابانی در افزایش جمعیت و هم‌چنین در گسترش سطح داشته است. این امر نشان‌دهنده مشخصه‌های خزش شهری است. در واقع در دوره سی ساله 85-1355 مساحت شهر سنندج نزدیک به 10 برابر شده است. در واقع گسترش فیزیکی پیوسته شهر سنندج طی دوره مذکور فضاهای زیستی پیرامون را به شدت دگرگون کرده است، به گونه‌ای که در این دوره هشت روستا با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامون بر اثر «خزش شهری» در بافت شهر ادغام شده و اکنون نشانه‌ای از ساختارهای روستایی خود را ندارند (ضیاءتوانا و قادرمزی، 1388: 125).

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات صورت گرفته تنها به تغییرات کالبدی در این گونه روستاها یا توسعه کالبدی شهرها بسنده کرده و کمتر به مبحث کیفیت محیط سکونتی شهری و یا حتی کیفیت زندگی در آنها پرداخته‌اند. اهمیت و نقش کیفیت محیط در سایر جنبه‌های زندگی، ماهیت ویژه محیط مسکونی، نقش فزاینده محیط مسکونی شهری به عنوان مهم‌ترین سکونتگاه انسانی و وجود تعداد افراد زیادی که به شدت تحت تأثیر شرایط غالب محیط مسکونی‌شان هستند (Van poll, 1997: 1). بررسی

این مسئله را در محدوده شهرها به ویژه در نواحی آسیب‌پذیری هم چون نواحی حومه شهر که در نتیجه ادغام نواحی روستایی در شهرها شکل گرفته‌اند، تبیین می‌کند.

## (۲) مبانی نظری

در بسیاری از متون تعاریف متعدد و متنوعی از مفهوم کیفیت محیطی آمده است. با این وجود هنوز هم فقدان تعریفی جامع و دقیق از مفهوم کیفیت محیط احساس می‌شود. مرور و بررسی تعاریف موجود، نشان دهنده‌ی دو نگرش و رویکرد متفاوت در تعریف این مفهوم است؛ تعدادی از نویسندگان قائل به ماهیت مستقل این مفهوم هستند و بر مؤلفه‌های کیفیت محیط تأکید دارند چرا که کیفیت محیط موضوعی پیچیده و در برگیرنده ادراکات ذهنی، نگرش‌ها و ارزش‌های گروه‌ها و افراد مختلف است. اما گروهی دیگر از محققان تلقی متفاوتی از مفهوم کیفیت محیط داشته و تعریف آن را در ربط و پیوند با مفهوم کلی‌تر کیفیت زندگی ممکن می‌دانند. به طوری که هم زمان با پدیدار شدن بحران‌های محیطی، کیفیت محیط سکونت به عنوان بخشی از مفهوم کلی کیفیت زندگی شناخته شد. این مفهوم به مثابه بازتابی از تمامی جوانب احساس رفاه فردی، شامل همه متغیرهایی که بر رضایتمندی انسان مؤثرند، فرض شده است (رفعیان و همکاران، 1389: 67). با این وجود آن چه که مهم به نظر می‌رسد این است که کیفیت محیط در واقع واکنشی علیه توسعه یک بُعدی اقتصادی (رشد کمی) در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی در مقیاس شهری، تلاشی است در جهت دستیابی به معیارهای کیفی در عرصه برنامه‌ریزی شهری (مهدی‌زاده و همکاران، 1385: 304).

در بررسی کیفیت محیط مسکونی، رویکردهای مختلفی تاکنون ارائه شده است که می‌توان از آن‌ها به عنوان برداشت‌های متفاوت علوم مختلف (جغرافیا، شهرسازی، اقتصاد، معماری و روان‌شناسی) از مفهوم کیفیت محیط مسکونی باشد. با این وجود فارغ از حوزه‌های علمی مختلف می‌توان مهم‌ترین رویکردها را در قالب چهار رویکرد ذیل طبقه بندی نمود:

اول، رویکرد رضایتمندی: مروری بر متون نظری و پژوهش‌های انجام شده در زمین کیفیت محیط‌های مسکونی نشان دهنده تأکید اکثر محققان بر نظریه رضایتمندی سکونتی به عنوان رهیافتی مناسب و کار آمد در سنجش میزان کیفیت محیط است. یک محیط مسکونی با کیفیت القاکننده احساس رفاه و رضایتمندی به ساکنان از راه خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا نمادین است (Van Poll, 1997: 17). کیفیت محیط مسکونی مفهومی واجد ارزش ذهنی محسوب می‌شود. این ارزش به واسطه ارزش محیط مسکونی روستایی که در بردارنده ویژگی‌های اساسی مانند رضایتمندی فردی از مسکن، محله و همسایگان است، تعیین می‌شود. به این ترتیب ارزش ذهنی کلی محیط مسکونی، معادل مجموع ارزیابی‌های صورت گرفته از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سازنده محیط است (Ibid, 29-30). این رویکرد از سوی

محققان مختلفی مانند فاین- دیویس و دیویس<sup>1</sup> (1982)، جلینکوا و پیک<sup>2</sup> (1984)، گرویتال<sup>3</sup> (1985)، گروبر و شیلتون<sup>4</sup> (1987)، پالس، استگ و کویتز- کمرلینگ<sup>5</sup> (1990)، ها و وبر<sup>6</sup> (1994) کارپ و همکارانش<sup>7</sup> (1976) و مارینو بونیوتو و همکارانش<sup>8</sup> (2003) به منظور سنجش و ارزیابی کیفیت محیط مسکونی شهرها انتخاب شده است. در این مطالعات رضایت‌مندی معیار اصلی سنجش کیفیت محیط مطرح می‌گردد. کیفیت محیط مسکونی بدین گونه توصیف می‌شود: محیطی با کیفیت بالا، احساس آرامش و رضایت‌مندی را به ساکنان از طریق عوامل کالبدی، اجتماعی و نمادین انتقال می‌دهد (Lansing and Marans, 1969, 195-199). از این رو رضایت‌مندی سکونتی متأثر از طیف گسترده‌ای از شرایط ادراک شده عینی و ذهنی است. این مفهوم دارای، ماهیتی مرکب و نمایانگر رضایت فرد از واحد مسکونی، محله و ناحیه مسکونی اوست. برای تعیین یک چارچوب راهنما جهت رضایت‌مندی سکونتی، شناخت خصوصیات ساختاری خانوارها و بافت محل سکونت آن‌ها اعم از خانه و محله که بر جوانب گوناگون رضایت‌مندی تاثیرگذار است، به کار می‌رود. در شکل 1 مدل رضایت‌مندی از محیط مسکونی ارائه شده است.



شکل شماره (۱): مدل رضایت‌مندی محیط مسکونی

<sup>1</sup> Fine-Davis and Davis

<sup>۲</sup> Jelinkova and picek

<sup>۳</sup> Girovetal

<sup>۴</sup> Gruber and Shelton

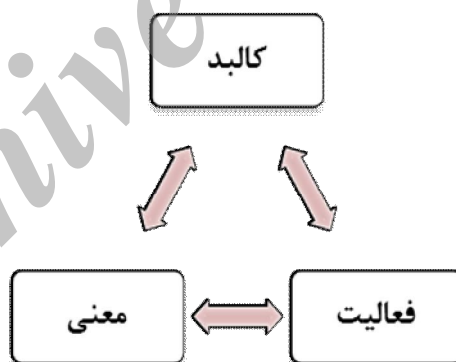
<sup>۵</sup> Pulles, Steg, and Koeter-Kemmerling

<sup>۶</sup> Ha and Weber

<sup>۷</sup> Carp and et al

<sup>۸</sup> Marino Bonaiuto and et al

دوم، رویکرد ادراکی: این رویکرد اصولاً بر رابطه انسان و محیط و چگونگی ادراک انسان از محیط بنا نهاد شده است و نظر بر این است که این رابطه به وسیله ویژگی‌های فردی و محیط تحت تأثیر قرار می‌گیرد (مولودی، 1388: 40). در این فرآیند نقش محیط می‌تواند متناقض باشد به طوری که از یک سو عاملی اساسی می‌تواند در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد و یا برعکس. لنگ در مورد رابطه محیط و رفتار انسان، چهار موضع گیری نظری به شرح زیر ارائه می‌دهد: رویکرد اختیاری، رویکرد امکان‌گرا، رویکرد احتمال‌گرا و رویکرد جبری (لنگ، 1381: 114). از سوی دیگر این رویکرد را از منظر رضایت‌مندی نیز می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. به طوری که در منابع تحقیقی مربوط به رضایت‌مندی، سکونت‌پذیری در زندگی یا رضایت‌مندی سکونی به امری کاربردی تبدیل شده است که اصولاً همسو با برداشت یا درک ساکنان از محیط اطراف خود است (Van poll, 1997: 18-21). سوم، رویکرد مدل کانتر: مدل معروف دیوید کانتر<sup>1</sup> از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری را می‌توان از چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مولفه‌های کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی است، محسوب نمود. بر اساس مدل مذکور که به مدل مکان مشهور است، محیط مسکونی به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده‌ی کالبد، فعالیت‌ها و تصورات است (گلکار، 1380).



شکل شماره (۲): مولفه‌های سه گانه کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر  
منبع: امین صالحی، 1387: 22.

چهارم، رویکرد سیاست‌گذاران: این دیدگاه که اغلب از سیاست‌های محیطی کشورها در سطح جهان شکل می‌گیرد با توجه به شرایط غالب اقتصادی، اجتماعی و محیطی مناطق متفاوت است و از یک کشور تا یک کشور دیگر در رابطه با چگونگی روش‌های برخورد با مسئله کیفیت محیط تفاوت‌های زیادی وجود دارد. این دیدگاه که در ابتدا بر پایه رویکرد تحلیل سیستمی محیط گسترش یافت، عمدتاً در پنج سطح فضایی شامل، سطح جهانی، منطقه‌ای، ملی، محیط سکونتی شامل محله و مسکن مطرح و مدنظر قرار

<sup>1</sup> Canter

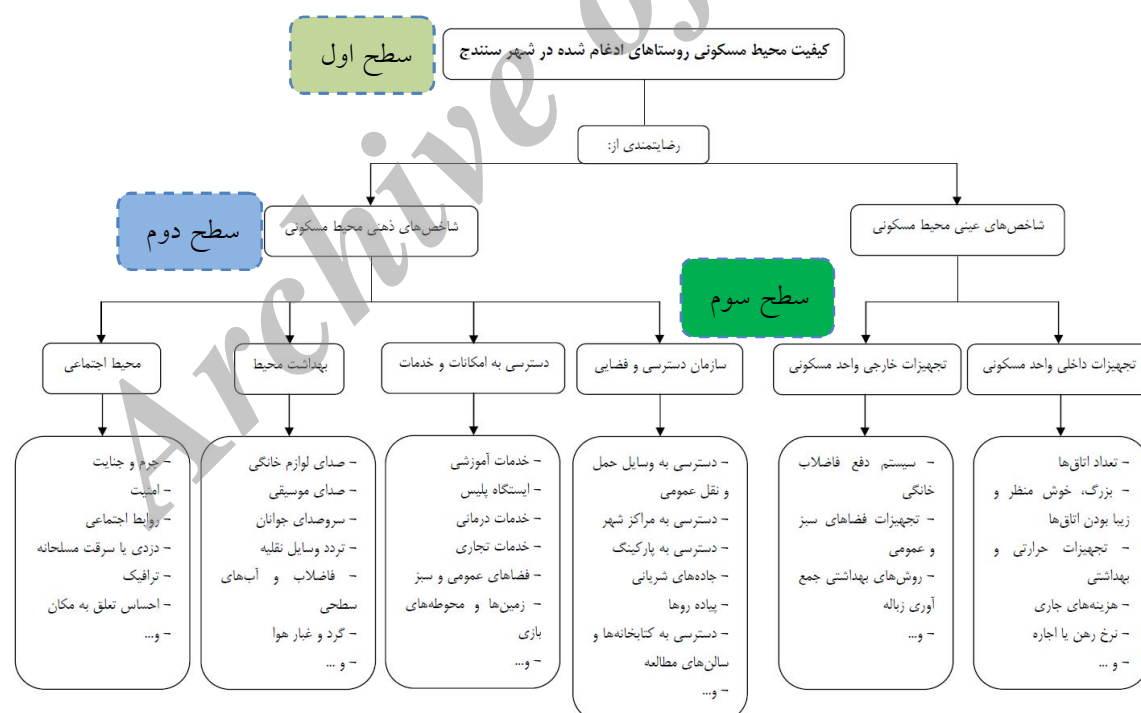
گرفت. موضوعات مختلف در هر سطحی مبنای سیاست محیطی قرار می‌گیرد. به طوری که وجود عوامل و فاکتورهای محیطی آزار دهنده در هر کدام از سطوح منجر به طرح سیاستی جهت دستیابی به شرایط بهینه و حفظ آن می‌شود (Van Poll, 1997: 9). با بررسی ادبیات نظری تحقیق و ارایه رویکردهای مختلف، در مقاله حاضر از میان رویکردهای مختلف، تلفیقی از رویکرد سنجش میزان رضایت‌مندی سکونتی و رویکرد ادارکی به عنوان رویکرد نظری پژوهش پذیرفته شد.

### ۳) روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بهره برده شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات با توجه به ماهیت مطالعه به صورت اسنادی و پیمایش میدانی بوده است. به طوری که در ابتدا به منظور تکمیل مبانی نظری تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مفاهیم، رویکردها، نظریه‌های تبیین کننده تحقیق و شاخص‌های ارزیابی کیفیت محیط مسکونی به دست آمد. در این مرحله درخت سلسله مراتبی ارزیابی کیفیت محیط مسکونی طراحی گردید. براساس مدل ارایه شده (شکل 1)، کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج براساس دو مولفه اصلی یعنی شاخص‌های عینی محیط مسکونی و شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی ارزیابی می‌شود. شایان ذکر است که معیار سنجش و ارزیابی شاخص‌ها، رضایت‌مندی ساکنان از آنهاست که با استفاده از پرسش‌نامه از ساکنان محل پرسیده شد. جامعه آماری در این پژوهش روستاهای ادغام شده در شهر سنندج شامل دو روستای نایسر و حسن‌آباد است که بر اساس آمار رسمی سال 1385، در کل دارای جمعیتی معادل 28120 نفر (جمعیت نایسر 18972 و جمعیت حسن‌آباد 9148 نفر) است. در این تحقیق بر اساس فرمول کوکران حجم جامعه نمونه 365 نفر برآورد گردید. این تعداد کل نمونه متناسب با حجم جمعیت روستاهای مذکور بین دو روستای حسن‌آباد و نایسر تقسیم شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا پرسش‌نامه‌های تکمیل شده کدگذاری شدند، سپس داده‌های کدگذاری شده به نرم افزار SPSS انتقال داده شد. پس از انجام عملیات آماری، از جداول داده‌های توزیع فراوانی، درصد، میانگین و نمودارها استفاده شد. هم چنین جهت آزمون و سنجش مولفه‌ها در این تحقیق از آزمون‌های آماری متعددی استفاده شد. یکی از آزمون‌های مورد استفاده آزمون t تک نمونه‌ای بوده است که برای داده‌های مربوط به متغیر وابسته از نوع کمی با مقیاس (فاصله‌ای یا نسبی) و برای بررسی تفاوت‌ها در مقایسه میانگین‌ها و معنی دار بودن تفاوت‌های موجود بین طبقات یا گروه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل واریانس یکی دیگر از آزمون‌های مورد استفاده می‌باشد، و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن بیش از دو جامعه مستقل را از نظر مقیاس فاصله‌ای با یکدیگر مقایسه شود، که برای این منظور روش تحلیل واریانس مناسب‌ترین شیوه آماری محسوب می‌شود. یکی از

ویژگی‌های این روش برآورد وزن‌ها است. ارزش هر وزن رگرسیونی دامنه تغییرات متغیر وابسته (متغیر سطح بالاتر) را به ازای یک واحد تغییر در متغیر مستقل (متغیر سطح پایین‌تر) نشان می‌دهد. در حالت وجود دو یا چند متغیر سطح پایین‌تر، باید این وزن‌ها را استاندارد نموده، چرا که ممکن است متغیرها مقیاس‌های متفاوتی داشته باشند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده یا ضرایب بتا چون مقیاس یکسانی دارند، مقایسه متغیرهای سطح پایین‌تر را امکان‌پذیر می‌کنند. در این روش می‌توان از ضریب بتا برای تعیین اهمیت نسبی یک متغیر سطح پایین‌تر استفاده نمود. در واقع این ضرایب نشان‌دهنده میزان تاثیرگذاری هر یک از متغیرهای مشاهده شده (معیارها و جزء معیارهای سازنده کیفیت محیط سکونت) بر متغیر پنهان (کیفیت محیط سکونت) است (شکل 3). در بررسی وجود یا فقدان تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر میزان ادراک کیفیت محیط، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بکار رفت. روائی و پایایی پرسش‌نامه نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و آلفای کرونباخ سنجیده شد. هم‌چنین جهت رتبه‌بندی مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط سکونت از دید ساکنین که اهمیت ویژه‌ای در تحقیق حاضر دارد، از روش تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ی سلسله‌مراتبی استفاده شد.



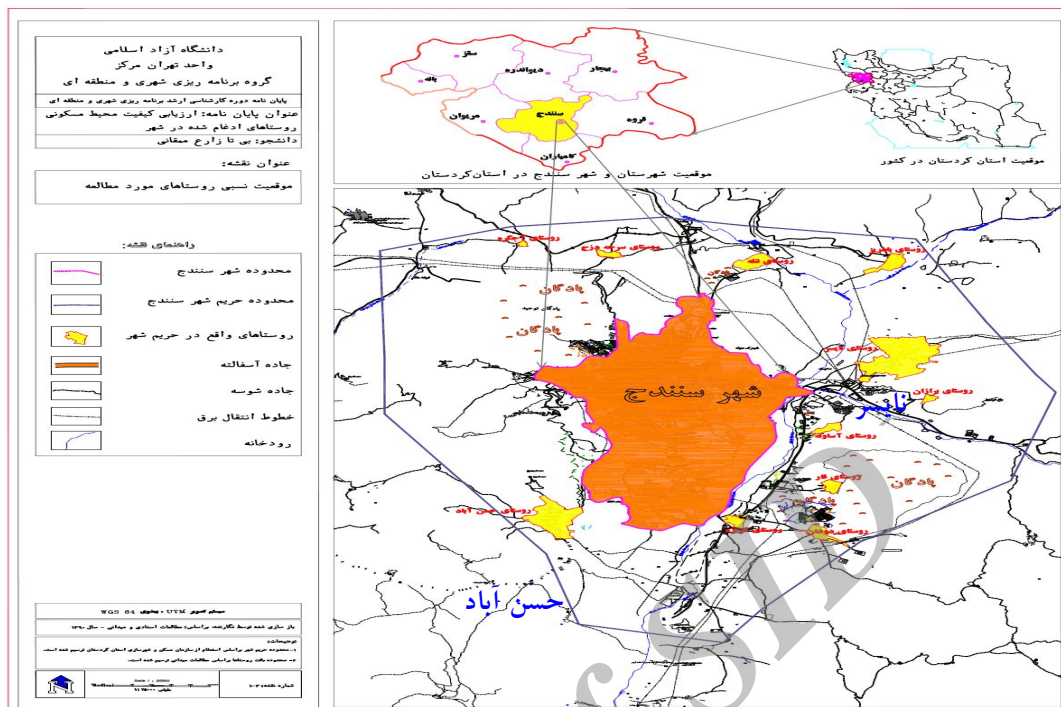
شکل شماره (۳): مدل نظری ارزیابی کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج

شهر سنندج به عنوان یک شهر بزرگ منطقه‌ای طی سه دهه اخیر رشد شتابانی هم در افزایش جمعیت و هم در گسترش سطح داشته است، به گونه‌ای که خزش پیوسته این شهر طی دوره مذکور



هشت روستا را با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامون در بافت خود ادغام کرده و اکنون کوچک‌ترین نشانه‌ای از ساختارهای روستایی خود ندارند. روستاهایی که از سال 1355 تا 1380 در شهر سنندج ادغام شده‌اند شامل روستاهای کمیز، حاجی‌آباد، مبارک‌آباد، فرجه، قرادیان، خانقاه سنندج، دگایران و قشلاق است. در دهه اخیر نیز دو نقطه روستایی دیگر به نام‌های حسن‌آباد و نایسر به این تعداد افزوده شده‌اند که به دلیل فاصله اندکی با شهر سنندج با عنوان ناحیه منفصل شهری به حیات خود ادامه می‌دهند. با توجه به جدید بودن ادغام این روستاها در شهر سنندج و برخورداری از برخی ویژگی‌های روستایی، برخورداری از بیشترین میزان رشد جمعیتی نسبت نقاط سکونتی مجاور، نقش پررنگ سکونتی - خوابگاهی آن‌ها برای شهر سنندج و هم‌چنین وجود آمار و اطلاعات دقیق به عنوان نمونه موردی این تحقیق برگزیده شدند.

روستای حسن‌آباد در موقعیت 46 درجه و 58 دقیقه طول جغرافیایی شرقی و 35 درجه و 15 دقیقه عرض جغرافیایی شمالی قرار دارد. این روستا مرکز دهستان آبیدر در بخش مرکزی شهرستان سنندج واقع است. در سال 1374 این روستا در 5 کیلومتری جنوب غربی شهر سنندج قرار داشته است، اما به علت گسترش کالبدی شهر سنندج در جهت جنوبی و رشد کالبدی روستا در جهت شمال، فاصله این روستا از محدوده قانونی موجود شهر به 800 متر کاهش یافته است. روستای حسن‌آباد مطابق اطلاعات و داده‌های موجود در سال 1385 دارای جمعیت 9064 نفر و 2407 خانوار می‌باشد. روستای نایسر نیز در موقعیت 47 درجه و 04 دقیقه طول جغرافیایی شرقی و 35 درجه و 20 دقیقه عرض جغرافیایی شمالی است. نایسر یکی از روستاهای دهستان حومه در بخش مرکزی شهرستان سنندج است و در سال 1374، در فاصله 4 کیلومتری شرق شهر سنندج قرار داشته است. اما به علت گسترش شهر در جهت شرق و رشد کالبدی روستا در جهت جنوب، فاصله کنونی روستا از محدوده قانونی شهر سنندج 1800 متر است. روستای نایسر مطابق اطلاعات و داده‌های موجود در سال 1385 دارای جمعیت 18914 نفر و 4865 خانوار می‌باشد. موقعیت دو روستای مورد مطالعه به عنوان ناحیه منفصل شهری شهر سنندج در شکل شماره 4 آمده است.



شکل شماره (۴): نقشه موقعیت محدوده‌های مطالعاتی در شهر سنندج

#### (۴) یافته‌های تحقیق

براساس جدول و اطلاعات اولیه حاصل از پرسش‌نامه، و هم چنین بر اساس نتایج حاصل کیفیت محل سکونت و میزان رضایت‌مندی ساکنین حسن‌آباد، از شاخص‌ها بیشترین میزان رضایت‌مندی از لحاظ شاخص‌های محیط اجتماعی با میانگین  $(3/6)$  و کمترین میزان رضایت‌مندی مربوط به بهداشت محیط با میانگین  $(1/6)$  قابل مشاهده است (جدول ۱).

جدول شماره (۱): نتایج بررسی توصیفی شاخص‌های کیفیت محیط مسکونی در حسن‌آباد

شاخص‌ها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
شاخص سازمان دسترسی و فضایی	1	5	2/35	1/50
شاخص دسترسی به امکانات و خدمات	1	5	1/8	0/83
شاخص محیط اجتماعی	1	5	3/6	1/14
شاخص بهداشت محیط	1	5	1/6	0/88
شاخص امکانات داخلی واحد مسکونی	1	5	2/9	1/32
شاخص امکانات خارجی واحد مسکونی	1	5	2/6	1/10

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

هم چنین بر اساس بررسی در خصوص کیفیت محل سکونت و میزان رضایت‌مندی ساکنین نایسر از شاخص‌ها، بیشترین میزان رضایت‌مندی از لحاظ شاخص‌های محیط اجتماعی با میانگین  $(3/2)$  و

کمترین میزان رضایت‌مندی مربوط به شاخص دسترسی به امکانات و خدمات با میانگین (1/65) قابل مشاهده است (جدول 2).

جدول شماره (2): نتایج بررسی توصیفی شاخص‌های کیفیت محیط مسکونی در نایسر

شاخص‌ها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
شاخص سازمان دسترسی و فضایی	1	5	2/5	1/04
شاخص دسترسی به امکانات و خدمات	1	5	1/65	0/91
شاخص محیط اجتماعی	1	5	3/2	1/28
شاخص بهداشت محیط	1	5	2/05	1/03
شاخص امکانات داخلی واحد مسکونی	1	5	3/1	1/16
شاخص امکانات خارجی واحد مسکونی	1	5	2/03	1/11

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

وضعیت کلی کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج بر اساس یافته‌های توصیفی به شرح شکل ذیل بوده است:



شکل شماره (5): وضعیت کیفیت محیط مسکونی در دو روستای حسن آباد و نایسر

بر اساس نتایج به دست آمده کلیه معیارهای مورد استفاده در 3 سطح مدل تجربی با متغیر وابسته میزان کیفیت در محیط‌های مسکونی ادغام شده در شهر سنندج رابطه معنی داری داشته ( $P < 0/05$ ) و این مفهوم را از دید ساکنین هر دو روستا به صورت کمی بیان کردند (جدول 3). طبق داده‌های جدول شماره 3 از میان شاخص‌های مختلف سطح سوم مدل، تنها دو شاخص محیط اجتماعی و امکانات داخلی واحد مسکونی از کیفیت برخوردار هستند و می‌توان پذیرفت که بر اساس نظرات جامعه نمونه سطح کیفیت محیط اجتماعی و امکانات داخلی واحد مسکونی بیشتر از سطح متوسط ارزیابی شده است. در بقیه شاخص‌ها میانگین نظرات جامعه از سطح متوسط (یا میانه نظری) پایین‌تر است.

جدول شماره (۳): مقایسه سطح کیفیت شاخص‌های مختلف مدل در وضع موجود با حد متوسط

شاخص	تعداد نمونه‌ها	وضع موجود جمع رتبه‌ای گویه‌ها (میانگین $\pm$ انحراف معیار)	حد متوسط گویه‌ها	سطح معناداری
کیفیت سازمان دسترسی و فضایی	365	4.64 $\pm$ 17.19	24	0/000
کیفیت دسترسی به امکانات و خدمات	365	6.54 $\pm$ 23.19	33	0/000
کیفیت محیط اجتماعی	365	10.03 $\pm$ 63.41	36	0/000
کیفیت بهداشت محیط	365	9.03 $\pm$ 74.29	45	0/000
کیفیت امکانات داخلی واحد مسکونی	365	5.48 $\pm$ 48.27	27	0/000
کیفیت امکانات خارجی واحد مسکونی	365	3.90 $\pm$ 02.11	15	0/000

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

در نهایت در سطح دوم مدل برای سنجش و ارزیابی میزان دو شاخص اصلی، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این راستا با مقایسه متوسط میزان کیفیت شاخص‌های عینی محاسبه شده که رقمی معادل (33.06) را نشان می‌دهد با متوسط سطح گویه‌های مورد ارزیابی که 36 برآورد شده، می‌توان با عنایت به سطح معناداری محاسبه شده که رقمی پایین‌تر از آلفا 0/05 را نشان می‌دهد، فرض مناسب بودن شاخص‌های عینی واحد مسکونی را در محدوده مورد مطالعه رد نمود و پذیرفت که بر اساس نظرات جامعه نمونه سطح کیفیت شاخص‌های عینی کمتر از سطح متوسط ارزیابی شده است. هم‌چنین برای سنجش کیفیت شاخص‌های ذهنی، مقایسه متوسط سطح کیفیت شاخص‌های ذهنی محاسبه شده که رقمی معادل (98.69) را نشان می‌دهد با متوسط سطح گویه‌های مورد ارزیابی که 126 برآورد شده، می‌توان با عنایت به سطح معناداری محاسبه شده که رقمی پایین‌تر از آلفا 0/05 را نشان می‌دهد، فرض مناسب بودن شاخص‌های ذهنی را در محدوده مورد مطالعه رد نمود و پذیرفت که بر اساس نظرات جامعه نمونه سطح کیفیت شاخص‌های ذهنی واحد مسکونی کمتر از سطح متوسط ارزیابی شده است.

برای سنجش کلی کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج (سطح اول مدل)، با مقایسه متوسط سطح کیفیت شاخص‌های عینی و ذهنی محاسبه شده که رقمی معادل (129.00) را نشان می‌دهد با متوسط سطح گویه‌های مورد ارزیابی که 162 برآورد شده، می‌توان با عنایت به سطح معناداری محاسبه شده که رقمی پایین‌تر از آلفا 0/05 را نشان می‌دهد، فرض مناسب بودن کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج را رد نمود و پذیرفت که بر اساس نظرات جامعه نمونه سطح کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج کمتر از سطح متوسط ارزیابی شده است (جدول 4).

جدول شماره (۴): مقایسه سطح کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج بر اساس شاخص‌های اصلی

شاخص	تعداد نمونه‌ها	وضع موجود جمع رتبه‌ای گویه‌ها (میانگین $\pm$ انحراف معیار)	حد متوسط گویه‌ها	سطح معناداری
شاخص‌های عینی محیط مسکونی	365	6.53 $\pm$ 06.33	36	0/000
شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی	365	16.23 $\pm$ 69.98	126	0/000
کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج	365	20.36 $\pm$ 00.129	162	0/000

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

بر اساس نتایج حاصل از روش تحلیل رگرسیونی چند متغیره، اهمیت شاخص‌های ذهنی بر کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر بیشتر از شاخص‌های عینی بوده است. هم چنین از میان زیرشاخص‌های سازنده کیفیت محیط مسکونی در قسمت شاخص‌های عینی، زیرشاخص امکانات و تجهیزات خارجی واحد مسکونی و از میان زیرشاخص‌های سازنده کیفیت محیط مسکونی در قسمت شاخص‌های ذهنی، زیرشاخص سازمان دسترسی و فضایی و دسترسی به امکانات و خدمات از اهمیت بالاتری برخوردار هستند (جدول 5).

جدول شماره (۵): مقایسه اهمیت معیارها/جزء معیارهای سازنده کیفیت محیط سکونتی

اولویت بندی متغیرها	sig	t	ضرایب استاندارد نشده (UNSTANDARDIZED) (COEFFICIENTS)		متغیرهای مشاهده شده	
			Beta	Std. Error		
1	0/000	64/98	0/096	0/040	26/95	شاخص‌های ذهنی
	0/000	18/21	0/069	0/022	8/81	سازمان دسترسی و فضایی
	0/000	11/33	0/051	0/037	8/50	دسترسی به امکانات و خدمات
	0/000	10/46	0/048	0/017	8/93	محیط اجتماعی
	0/833	0/21	0/011	0/022	16/38	بهداشت محیط
2	0/000	22/69	0/076	0/022	119/55	شاخص‌های عینی
	0/000	25/76	0/080	0/030	7/91	امکانات خارجی واحد مسکونی
	0/000	4/51	0/023	0/032	12/49	امکانات داخلی واحد مسکونی

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز میزان تاثیر متغیرهای اجتماعی - اقتصادی ساکنین بر روی ادراک کیفیت محیط سکونت آزمون شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که در دو روستای مورد مطالعه تفاوت کیفیت محیط مسکونی در میان تمامی گروه‌ها معنی‌دار است. هم چنین نتایج آزمون در بین سایر متغیرها در هر دو روستا نشان داد که بین گروه‌ها اختلاف معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). به عبارتی میزان ادراک کیفیت محیط مسکونی ساکنین بر حسب متغیرهای شخصی و خانوار تاثیرگذار

بوده‌اند. برای مثال، برآوردها در مورد متغیر جنسیت نشان داد که میزان رضایت زنان از کیفیت محیط مسکونی روستاهای ادغام شده در شهر سنندج با میانگین (2/61) از مردان با میانگین (2/30) بیشتر است. هم چنین میزان تاثیر متغیر سن بر کیفیت محیط مسکونی نشان داد که افرادی با سنین 30 تا 60 سال با میانگین (2/47) در مقایسه با سایر گروهها از رضایت بیشتری از کیفیت محیط مسکونی خود برخوردارند. این مقدار در سایر گروهها به ترتیب در دامنه‌ی سنی بالای 60 سال (2/46) و در گروه سنی زیر 30 سال (2/45) می‌باشد (جدول 6).

جدول شماره (6): میزان تاثیر متغیرهای اجتماعی - اقتصادی بر روی ادراک کیفیت محیط مسکونی ساکنان

متغیرها	منبع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	درجه آزادی	Sig
سن	بین گروهی	24468/232	37	931/5	171/905	.000
	درون گروهی	1696/184	313	5/419		
	مجموع	36164/416	350			
جنس	بین گروهی	74/213	38	1/95	40/078	.000
	درون گروهی	15/886	326	0/049		
	مجموع	90/099	364			
وضعیت تاهل	بین گروهی	48/201	38	1/27	37/646	.000
	درون گروهی	10/951	325	0/034		
	مجموع	59/151	363			
وضعیت سواد	بین گروهی	546/239	38	14/38	34/023	.000
	درون گروهی	135/198	320	0/422		
	مجموع	681/437	358			
وضعیت شغلی	بین گروهی	1703/352	38	44/83	52/579	.000
	درون گروهی	276/125	324	0/825		
	مجموع	1979/477	365			
وضعیت مالکیت واحد مسکونی	بین گروهی	161/397	37	4/36	42/265	.000
	درون گروهی	27/537	311	0/089		
	مجموع	188/934	348			
میزان متوسط درآمد خانوار در ماه	بین گروهی	161/825	38	4/26	42/108	.000
	درون گروهی	32/970	326	0/101		
	مجموع	194/795	364			
مدت زندگی در واحد مسکونی	بین گروهی	368/570	38	9/7	162/365	.000
	درون گروهی	19/474	326	0/060		
	مجموع	388/044	364			

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

در نهایت به منظور بررسی صحت ساختار دسته‌بندی سوالات منتج از سطح چهارم مدل نظری ارزیابی کیفیت محیط مسکونی از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شده است. پرسش‌نامه حاضر شامل 42 سوال در سطح شاخص‌های عینی کیفیت محیط مسکونی و 12 سوال در سطح شاخص‌های ذهنی

سنجش کیفیت محیط مسکونی می‌باشد. جهت بررسی روائی و صحت مدل مورد استفاده در تحقیق و با توجه به جدول 7 و نتایج شاخص  $KMO = 0/634$  می‌توان گفت که کفایت مدل در حد متعادلی (بین 6 تا 7) مورد تایید است و نشان از کیفیت مناسب نمونه گرفته شده برای انجام تحلیل عاملی است.

جدول شماره (۷): نتایج شاخص KMO

مقدار KMO	شاخص‌های مورد مطالعه
0/702	سازمان دسترسی و فضایی
0/709	برخورداري از خدمات و امکانات
0/561	محیط اجتماعی
0/684	بهداشت محیط
0/593	امکانات داخلی واحدهای مسکونی
0/593	امکانات خارجی واحدهای مسکونی

برای سنجش پایایی سوالات پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ نتایج پرسش‌نامه‌ها مورد آزمون قرار گرفت که مقدار آلفای به دست آمده از این آزمون برابر (0/86) است که نشان دهنده پایایی خوبی است. از آن جا که ضرایب آلفای تمامی سوالات پرسش‌نامه در هر دو محدوده بزرگ‌تر از (0/6) است، ضرورتی به حذف هیچ کدام از آن‌ها وجود نداشته و دقت و صحت مدل مورد استفاده جهت سنجش کیفیت محیط سکونت را تأیید می‌کند.

### ۵) نتیجه‌گیری

ارزیابی محیط‌های مسکونی (شهری - روستایی) به ویژه با رویکرد رضایت‌مندی می‌تواند در شناسایی وضع موجود، آگاهی از نقاط قوت، کاستی‌ها و نواقص احتمالی با هدف ارتقای کیفیت محیط‌های سکونتی به ویژه روستاهایی که طی سالیان درازی با حفظ روابط و پیوندهای متقابل در جوار شهرها به حیات خود ادامه می‌دادند، و امروزه به محلاتی از شهر تبدیل شده‌اند، موثر واقع گردد. اهمیت و نقش کیفیت محیط در سایر جنبه‌های زندگی، ماهیت ویژه محیط مسکونی، نقش فزاینده محیط مسکونی شهری به عنوان مهمترین سکونتگاه انسانی و وجود تعداد افراد زیادی که به شدت تحت تأثیر شرایط غالب محیط مسکونی شان هستند، بررسی این مسئله را در محدوده شهرها به ویژه در نواحی آسیب‌پذیری هم چون نواحی حومه شهر که در نتیجه ادغام نواحی روستایی در شهرها شکل گرفته‌اند، تبیین می‌کند.

نتایج این مطالعه نشان داد که رضایت‌مندی ساکنان از محیط سکونتی پایین‌تر از حد متوسط (میانه نظری) بوده است، به طوری که با وضعیت ایده‌آل آن‌ها از محیط مسکونی فاصله دارد. نتایج آزمون t نشان می‌دهد که رضایت از کیفیت محیط روستاهای ادغام شده معنادار نمی‌باشد و می‌توان پذیرفت که براساس نظرات جامعه نمونه سطح کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر سنندج کمتر

از سطح متوسط ارزیابی شده است. در مورد دو شاخص سازنده اصلی یعنی رضایت از شاخص‌های عینی محیط مسکونی و شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی نیز نتایج به همین صورت است. در مورد زیرشاخص‌های سازنده (سطح سوم مدل) نیز باید گفت که رضایت از سازمان دسترسی و فضای، دسترسی به امکانات و خدمات، بهداشت محیط و امکانات خارجی واحد مسکونی پایین‌تر از میانه نظری است، اما رضایت از کیفیت شاخص محیط اجتماعی و امکانات داخلی واحد مسکونی بالاتر از میانه نظری است و می‌توان پذیرفت که براساس نظرات جامعه نمونه رضایت از کیفیت محیط اجتماعی و امکانات داخلی واحد مسکونی وجود دارد. به عبارت دیگر طبق یافته‌های تحقیق کمبود چشمگیر فضاهای عمومی و سبز شهری، فاصله زیاد از مرکز شهر و خدمات متنوع داخل شهر، عدم دسترسی به انواع خدمات سطح بالای آموزشی، درمانی، تجاری، وجود آلودگی‌های محیطی چون سروصدای ساخت‌وسازهای جدید، آلودگی آب و وجود فاضلاب‌ها و رواناب سطحی از جمله عوامل پایین بودن کیفیت محیط مسکونی در روستاهای نایسر و حسن آباد بوده است.

مقایسه میزان کیفیت در دو روستای مورد مطالعه بر اساس شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مختلف مدل از طریق آزمون آنالیز واریانس نیز نشان می‌دهد که بر مبنای شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مختلف، رضایت از کیفیت محیط متفاوت است. هم چنین نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره در مورد اولویت‌بندی و اهمیت شاخص‌ها و زیرشاخص‌های سازنده کیفیت محیط مسکونی نشان می‌دهد که در سطح دوم مدل، شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی نسبت به شاخص‌های عینی در رضایت از کیفیت محیط مسکونی تأثیر بیشتری دارد. در سطح سوم مدل و در مورد شاخص‌های عینی محیط مسکونی، زیرشاخص امکانات خارجی واحد مسکونی تأثیر بیشتری در شاخص سطح بالای خود دارد. در همین سطح و در مورد شاخص‌های ذهنی محیط مسکونی نیز باید گفت که از میان زیرشاخص‌ها، رضایت از سازمان دسترسی و فضای و دسترسی به امکانات و خدمات در میزان کیفیت شاخص بالاسری خود تأثیر بیشتری دارند. در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها میزان تاثیر ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی مخاطبان نیز بر روی ادراک کیفیت محیط مسکونی آزمون شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که در هر دو روستا تفاوت کیفیت محیط مسکونی در بین تمامی گروه‌ها معنی‌دار بود. هم چنین نتایج آزمون در بین سایر متغیرها در هر دو روستا نشان داد که میان گروه‌ها اختلاف معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). به عبارتی این متغیرها بر روی میزان ادراک کیفیت محیط مسکونی ساکنین تأثیرگذار بوده است.

نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی مَهر تاییدی بر مدل نظری برگرفته از ادبیات تحقیق بود. به طوری که بر اساس ضرایب استخراج شده نیازی به تغییر در دسته‌بندی‌های انجام شده بر اساس مدل نظری نبود. از طرف دیگر بر اساس نتایج روش تحلیل قابلیت اطمینان، چون ضرایب آلفا، تمامی سوالات



پرسش‌نامه بزرگتر از 0/6 است، و ضرورتی به حذف هیچ کدام از سوالات وجود نداشته و مدل مورد استفاده جهت سنجش کیفیت محیط سکونت از دقت و صحت مناسبی برخوردار است.

با توجه به آن چه که ذکر گردید، ایجاد راهکارهایی در ابعاد مختلف برای تقویت و ارتقای کیفیت محیط مسکونی در روستاهای ادغام شده در شهر و به ویژه در شهر سنندج در جهت بالا بردن احساس رضایت در میان ساکنان احساس می‌گردد که از جمله آن‌ها می‌توان به ضرورت فرهنگ‌سازی و تقویت مشارکت مردم، ضرورت تقویت رابطه مهاجرین با ساکنان بومی روستاها، تاکید بر اختیارات و نظارت نیروهای محلی، تدوین نقشه استخوان‌بندی روستاهای ادغام شده (نظام کلان کاربری، شبکه دسترسی و فضای عمومی و سبز)، ایجاد زمینه مشارکت شهروندان در حوزه نظارتی و اجرائی فعالیت‌های شهرداری، ضرورت کاهش مشکلات متعدد، مانند آلودگی‌های محیطی، ارتقای نظام فنی ساخت‌وساز، افزایش دسترسی ساکنان به خدمات و امکانات مختلف به ویژه به دلیل فاصله بافت محدوده با مرکز شهر، بازنگری و اصلاح همه‌جانبه در نحوه مدیریت توسعه در روستاهای ادغام شده در شهر، و نظایر این‌ها اشاره کرد.

#### ۶ منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، بریمانی، فرامرز، اسکندری ثانی، محمد و رمضان‌پور، صغری (1389)؛ بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در روستاهای ادغام شده در شهر و روستاهای مستقل: مورد شناسی روستای ادغام شده تربقان و روستای مستقل رزق آباد کاشمر، فصلنامه روستا و توسعه، سال 13، شماره 1، صص 43-62.
- امین صالحی، فرزین (1387)؛ ارتقای کیفیت محیط سکونت در مجتمع‌های بلند مرتبه و ارائه راهکارهای مناسب - نمونه مطالعاتی: شهرک اکباتان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس.
- اهرس، اکارت (1380)؛ سرمایه داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)، مجموعه مقالات ایران: شهر - روستا - عشایر، ترجمه عباس سعیدی، چاپ اول، نشر منشی، تهران.
- رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی (1386)؛ مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری، ارائه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
- رفیعیان، مجتبی و مولودی، جمشید (1390)؛ رویکردهای و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری، انتشارات آذرخش، تهران.
- رفیعیان، مجتبی، فرزین، امین صالحی، تقوایی، علی اکبر (1389)، ارتقای کیفیت محیط سکونت در مجتمع‌های بلند مرتبه و ارائه راهکارهای مناسب نمونه مطالعاتی: شهرک اکباتان، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره 4.

- ضیاءتوانا، محمدحسن و قادرمزی، حامد(1388)؛ تغییرات کاربری اراضی در فرایند خزش شهری - روستاهای نایسر و حسن آباد سنندج، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 68 صص 119-135.
- گلکار، کورش(1380)؛ مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره 32.
- لنگ، جان (1381)؛ آفرینش نظریه معماری؛ ترجمه: علیرضا عینی فر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چ اول.
- مهدیزاده، جواد (1385)؛ برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، معاونت معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مولودی، جمشید(1388)؛ سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید - مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bonaiuto, Marino and et al (2003), **“Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome”**, Landscape and Urban Planning 65, pp. 41-52.
- Gruber J. B., Shelton G. G, (1987), **“Assessment of Neighborhood Satisfaction by Residents of Three Housing Types”**; Social Indicators Research, 19, pp: 303-315.
- Ha M., Weber M. J, (1994), **“Residential quality and satisfaction: Toward developing residential quality indexes”**; Home Economics Research Journal, Vol.22, No.3.
- Jelinkova Z., Picek M, (1984), **“Physical and psychological factors determining population responses to environment”**; Active. Nerv. Sup., Vol. 26, No.2, pp: 144-146.
- Lansing, J. B., and Marans, R. W, (1969), **Evaluation of Neighborhood Quality**, AIP Journal, May, 195-199.
- M. Carp, Frances and T. Zawadski, Rick and Shokrkon, Hossein (1976), **“Dimensions of urban environmental quality”**, Environment and Behavior, Vol. 8, No. 2, pp. 239-264.
- Van poll, R, (1997), **the Perceived Quality of Urban Environment: A multi-attribute evaluation**, University of Groningen.